University of Sistan and Baluchestan

Journal of Historical Researches of Iran and Islam

Print ISSN: 2345 - 2099
Online ISSN: 2717 - 2953

The position, characteristics, and functions of the Diwan al-Rasa'il in the Almohad State's Administrative Framework

Mohammad Hassan Behnamfar[1]

Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Higher Education Complex of Esfarayen, North Khorasan, Iran. E-mail: *behnamfarb@gmail.com*

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 17May2024

Received in revised form:18Augu2024

Accepted: 5Septe2024

Publishedonline:5Nove2024

Key word:

Iran,
Pahlavi period
Uniform dress,
Khuzestan Arabs,
Reza Shah,
Official identity politics

ABSTRACT

One of the most important parts of the administrative and Diwan structure of the governments has been the Rasail which was important for letter writing and gradually became more complicated with the evolution of administrative structures. Almohad as one of the independent states of the western Islamic world, managed to rule over the Maghreb and Andalusia in the Middle Ages. From the beginning of their movement, they gave great importance to the affairs of Diwan correspondence and added to its credibility during the period of consolidation of power. Undoubtedly, the stability of their political system was managed by organizations that had a coherent structure. Therefore, the current research with an emphasis on sources and study on the administrative structure of the Almohad period, It seeks to evaluate its features in terms of technique and method by researching Diwan Rasail. Also, answer the question that what position did this Diwan have in the administrative structure of the Almohad government? The findings of the research show that Almodad paid special attention to Diwan Rasail and benefited from the experiences of their previous governments. The remaining correspondence of this government, titled Rasa'il, has various aspects from which important points can be obtained.

Cite this article: **Behnamfar, Mohammad Hassan**, (2023). The position, characteristics, and functions of the Diwan al-Rasa'il in the Almohad State's Administrative Framework". Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vo2, 18, No.35 Pages:70-91.

DOI. 10.22111/jhr.2024.46563.3609

© The Author: **Mohammad Hassan Behnamfar,**
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام
شاپا چاپی: ۲۳۴۵-۲۰۹۹
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۵۳

جایگاه، ویژگی‌ها و کارکرد دیوان رسائل در ساختار اداری دولت موحدون

محمدحسن بهنام فر[۱]

۱. استادیار گروه معارف اسلامی ، مجتمع آموزش عالی اسفراین، خراسان شمالی، ایران. رایانامه:behnamfarb@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸
تاریخ بازنگری:۱۴۰۳/۰۵/۲۸
تاریخ پذیرش:۱۴۰۳/۰۶/۱۵
تاریخ انتشار:۱۴۰۳/۰۸/۱۵

واژه‌های کلیدی:
دیوان رسائل،
ساختار اداری،
مغرب اسلامی،
موحدون.

چکیده

یکی از بخش‌های مهم ساختار اداری و دیوانی دولت‌ها، رسائل بوده است که به‌منظور مکاتبات اداری و نامه‌نگاری اهمیت داشته و رفته‌رفته با تحولات ساختارهای اداری، پیچیده‌تر شده است. موحدون به‌عنوان یکی از دولت‌های مستقل غرب جهان اسلام موفق شدند در قرون میانه بر مغرب و اندلس حاکمیت یابند. آن‌ها از ابتدای دعوت خویش به امور کتابت نامه‌های دیوانی و کاتبان اهمیت بسیاری داده و در دوره تثبیت قدرت نیز بر اعتبار آن افزودند. بدون شک پایداری نظام سیاسی آن‌ها توسط تشکیلاتی اداره می‌گشت که از سازمان منسجمی برخوردار بود. از این رو پژوهش حاضر با تأکید منابع و مطالعه بر ساختار اداری و تشکیلات تمدنی دوره موحدون، به دنبال آن است که با بررسی دیوان رسائل به لحاظ تکنیک و روش شاخصه‌های آن را ارزیابی نماید. همچنین به این پرسش پاسخ دهد که این دیوان چه جایگاهی در ساختار اداری دولت موحدون داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موحدون توجه ویژه‌ای به رسائل داشته و از تجربیات دولت‌های قبلی خود سود جستند. مکاتبات باقی مانده این دولت با عنوان رسائل، دارای جنبه‌های مختلفی است که می‌توان نکات مهمی از درون آن به دست آورد.

استناد: بهنام فر، محمدحسن (۱۴۰۳). ***جایگاه، ویژگی‌ها و کارکرد دیوان رسائل در ساختار اداری دولت موحدون*** ،مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان، ۱۴۰۳، دوره ۱۸، شماره ۲، شماره پیاپی۳۵، ص ۷۰-۹۱.

DOI. 10.22111/jhr.2024.46563.3609

© نویسندگان : محمدحسن بهنام فر،
ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام
شاپا چاپی: ۲۳۴۵-۲۰۹۹
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۵۳
پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۸، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مقدمه

در قرون میانه تحولاتی در غرب جهان اسلام رقم خورد که منجر به شکل‌گیری دولت‌های مرابطون و موحدون گشت. دولت مرابطون اگرچه تأثیرات بسزایی از خود در منطقه به‌جای گذاشته و موفق شد تا اندلس پیشروی کند اما به‌زودی توسط همتای بربر خود کنار رفته و مغرب و اندلس در اختیار ابن‌تومرت و جانشینانش قرار گرفت. از آنجا که موحدون با طرح گفتمان خاص مهدویت و مطرح کردن منظومه فکری منسجمی، به دنبال تأسیس نظام سیاسی مستقل از بغداد بوده، در ایجاد سازمان‌های اداری و تشکیلات دیوانی نیز اهتمام بسیاری به خرج دادند. اطلاعات مربوط به سازمان‌ها و تشکیلات در منابع به‌طور کلی اندک و مبهم است، چه برسد به اینکه از راویانی به دست آید که به لحاظ مکانی و زمانی از حوادث و وقایع فاصله داشته باشند. با گستردگی قلمرو جغرافیایی حکومت اسلامی، شکل‌گیری دولت‌های متعدد در نقاط مختلف و آشنایی با ساختارهای اداری تمدن‌های دیگر، دیوان‌های بیشتر و تخصصی‌تری از دوره‌های قبل پدید آمد. یکی از دیوان‌هایی که در تمدن اسلامی جایگاه بالایی داشته، رسائل یا انشاء بوده است. در آثار مکتوب تمدن اسلامی منابعی دیده می‌شود که می‌توان با کاوش در مطالب آن، شیوه‌نامه‌های اجرایی و آیین‌نامه‌هایی به‌منظور ساختارهای اداری آن استخراج کرد. اگرچه این موضوع در تمدن اسلامی باوجود آثاری همچون سیاست‌نامه، نصیحه الملوک، ادب الکاتب، احکامیه و حسبه مشهود است اما این امر بیشتر به شرق و مرکز جهان اسلام دیده می‌شود و چنین منابعی در مغرب اسلامی کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است. با این وجود تأثیرات چنین ساختار اداری در پویایی تمدن اسلامی دولت‌های مغرب کاملاً مشهود است.

بامطالعه بر ساختار اداری و تشکیلات تمدنی دوره موحدون، چنین به نظر می‌رسد، دیوان رسائل دارای جایگاه ویژه‌ای بوده و به لحاظ تکنیک و روش نیز شاخصه‌هایی را می‌توان برای آن در نظر گرفت.بنابراین مسئله اصلی آن است که دیوان رسائل چه جایگاهی در ساختار اداری موحدون داشته است؟ همچنین چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی می‌توان برای آن برشمرد؟ از آنجایی که موضوع تحقیق در خصوص سازمان‌های اداری و تشکیلات دیوانی و به‌طور خاص دیوان رسائل در دوره موحدون است، با بررسی تحقیقات جدید، به زبان فارسی تلاشی صورت نگرفته است. در خصوص دیوان انشاء تحقیقاتی که به زبان فارسی صورت گرفته، اشاره‌ای به دوره موحدون نداشته‌اند. از جمله آثاری که به‌طور ویژه در خصوص رسائل دیوانی موحدون نگاشته شده، کتاب احمد عزاوی، «کتاب دواوین الانشاء

الموحدیه: رسائل موحدیه مجموعه جدیده» است. در این کتاب حدود ۱۳۵ رساله و ۷۷ نامه حکومتی بر اساس ترتیب زمانی آورده شده است. نویسنده منابع بخشی از نگاشته‌ها را آورده و در مطلبی خصوصیات آن‌ها را ذکر کرده است. این کتاب یکی از مهم‌ترین تحقیقاتی است که در این موضوع وجود دارد و در این پژوهش از آن استفاده شده است. «دولت موحدون در غرب جهان اسلام، تشکیلات و سازمان‌ها» از معدود آثاری است که در خصوص دولت موحدون به فارسی ترجمه شده و در فصل چهارم که به تشکیلات اداری پرداخته، دیوان ترسل را نیز اجمالاً بررسی کرده است (عمر موسی، ۱۳۸۱: ۱۴۸– ۱۵۲). همچنین مقاله‌ای با عنوان «الکتابۀ الرسمیۀ عند الموحدین فی الغرب الاسلامی ۵۴۱ – ۶۶۸ ه / ۱۱۴۶–۱۲۶۹ م أنواعها، مراسیمها، وأهمیتها التاریخیۀ» (۱) نگاشته بغداد غربی، نامه‌نگاری رسمی دولت موحدون، انواع و تشریفات آن را مورد واکاوی قرار داده که تفاوت آن با پژوهش حاضر در آن است که بیشتر جنبه فنی نامه‌ها را مورد بررسی قرار داده و این پژوهش از منظر تمدنی و ساختار اداری نگاه کرده است. تحقیقاتی که اتکاء به دوره موحدون داشته‌اند، بیشتر بر مسائل سیاسی و یا اندیشه‌ای این دولت پرداخته‌اند. با این وجود، آنچه ما را نسبت به موضوع دیوان رسائل سوق داد، کتابی است که توسط لویی پروفنسال تدوین شده است. دولت موحدون از ابتدا به دیوان رسائل توجه ویژه‌ای داشته که به فرمانها و دستورات خلفا برای والیان و قاضیان اختصاص می‌یافت. خلفای موحدی به این منظور، نویسندگان و ادیبان چیره دست و توانمند مغرب و اندلس را به خدمت گرفتند. لویی بروفنسال مجموعه رسائل موحدون را به عنوان یک مجموعه جمع آوری کرده است (۲).

شاخصه‌های رسائل دیوانی در دولت موحدون

۱)دیوان رسائل یا انشاء

دیوان «انشاء» در تمدن اسلامی با عناوینی همچون دیوان «رسائل» یا «رسالت» شناخته می‌شده که از آن گاه با نام «دبیرخانه» یا «دفترخانه»(نخجوانی، ۱۳۵۷: ۱۷۳) یاد شده است. این دیوان مسئولیت مکاتبات دولتی و بایگانی اسناد را برعهده داشته است. برای این دیوان افرادی به نام «دبیر» یا «کاتب» گمارده می‌شد که به نوشتن فرمان‌ها و نامه‌ها پرداخته و به مثابه مشاور، معین یا کارگزار خلیفه به شمار می‌آمدند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۱۱). یکی از بخش‌های مهم ساختار اداری دولت‌ها که در منابع با عنوان «کتابت» نیز شناخته می‌شود، دیوان رسائل است که از مناصب مهم حکومتی مغربیان در دوره موحدون به شمار می‌رفت و فراز و فرودهای بسیار داشت. دولت موحدون از جمله تجربه حکومت بربرها محسوب می‌شد که در دوره‌های قبل ساختار اداری و دیوانی را دیده و مشاهده کرده بود. موحدون با توجه به اینکه گفتمان جدیدی مطرح کردند، از همان ابتدای نهضت با برنامه‌ریزی وارد شدند. تشکیلات و سازمان‌های ابتدایی جنبش موحدون پس از بیعت با ابن‌تومرت در مهدیه

(مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۸۸؛ ابن قطان، ۱۹۹۰: ۲۸) با گروه‌هایی چون «اهل جماعت یا اهل عشره»، «اهل خمسین»، «اهل سبعین» و «طلبه‌ها» شناخته می‌شد (ابن قطان: ۱۹۹۰: ۷۶؛ حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۸۸). بدین‌سان مهدی توانست نظمی سلسله‌وار و با برنامه در بخش‌های مختلف ایجاد و وظایف هر کدام از اعضای آن را معین کند؛ بدین گونه که اهل جماعت را برای نظارت بر اجرا، اهل خمسین، سبعین را برای مشورت و طلبه‌ها را برای دعوت و تبلیغ تعیین کرده بود و همه آنها در کل از مهدی فرمانبرداری می‌کردند (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۸۱). موحدون از آغاز دعوت خویش به امور کتابت نامه‌های دیوانی و کاتبان اهمیت بسیاری می‌دادند و با وجود آنکه ابن تومرت در بعضی موارد، خود به نوشتن نامه‌های دیوانی می‌پرداخت (حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۹۳) اما یکی از «اهل جماعت» را به کار نگاشتن نامه‌ها گماشته بود (بیذق، ۱۹۸۰: ۳۳). تشکیلات اداری در دوره نظام شکل واقعی به خود گرفت که در واقع همان مرحله استقرار دولت و طبیعی بود که تشکیلات موحدون شاهد دگرگونی و تغییر در ساختار سازمانی و مسئولیت‌های نهادهای آن باشد. در دوره نظام، احزاب و قبایل گسترده و منظم‌تر از قبل شده بود. علاوه بر قبایل مصمودی که موحدون بودند، از قبیله‌های دیگر به موحدون ملحق شدند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۲۲۹) افرادی چون ابن خیار جیانی، ابراهیم بن بزاز مسوفی، زرای ابن ماخوخ زناتی، یوسف بن مردانیش، ابن همشک و ابن عزون از جمله این افراد بودند که وظایف اداری را بر عهده گرفتند (پرونسال، ۱۹۴۱: ۹۸؛ ابن صلاه، ۱۹۶۴: ۱۳۹) روشن است که همه آنها قبل از دولت موحدون از جایگاه بالایی در جامعه خود برخوردار بودند. پس جذب آنها در سازمان‌های دولت، گاهی به منظور برقراری وحدت و یکپارچگی و گاهی جهت استفاده از تجربیات آنان بود.

چنین به نظر می‌رسد که در ابتدای دوره موحدون منصب کتابت و وزارت در دست ابوجعفر بن عطیه بوده (ابن صلاه، ۱۹۶۴: ۳۶؛ مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۳۹) اما تحولاتی که عبدالمومن بن علی (۵۲۴–۵۵۸ ق/ ۱۱۲۹– ۱۱۶۲ م) در ساختار اداری و تشکیلاتی ایجاد کرد، باعث شکل‌گیری وزارت‌خانه‌ها و دیوان‌های متعدد گشت. در دوره عبدالمومن منابع از چندین کاتب در دستگاه دولتی نام می‌برند و بزرگترین کاتب با لقب رئیس کاتبان (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۴۰) ذکر می‌کنند. غبرینی همچنین یکی از کاتبان به نام ابن محشره را کاتب سرّ خلیفه خوانده است (غبرینی، ۱۳۲۸: ۳۰). کاتب سرّ صرفاً وظیفه نگارش نامه‌های خلیفه را نداشت، بلکه به مثابه رازدار و سخنگو گاه شب را نزد وی به صبح می‌آورد و جز نامه‌های مهم، عرض حالها را نیز بر وی می‌خواند (قلقشندی، [بی‌تا]: ۵/ ۱۹۸). مراکشی برای هر کدام از خلفای موحدی در کنار کاتبان اصلی که کاتب انشاء نام برده، از کاتب جیش نیز اسم می‌آورد (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۶۸). کاتب بر حسب منزلتش نزد امرا و ضرورت‌های موجود، نقش‌های دیگری نیز می‌یافت. کاتب موحدون برای خلیفه جدید متن بیعت‌نامه را می‌نوشت که در بیعت‌های عمومی کاتب

آن، متن را برای هر مجموعه‌ای می‌خواند و بر اساس آن مردم با خلیفه بیعت می‌نمودند و نیز کاتب تمام نامه‌های دیوانی، فرمان‌ها و نامه‌ها و دستوراتی که به مهر خلیفه ختم می‌شد، می‌نگاشت (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۳/ ۲۳۱) کاتب در کار خود آزادی مطلق نداشته است و خلیفه می‌بایستی بر همه آنچه او می‌نوشت، اطلاع یابد و ارسال نامه منوط به مهر و امضای خلیفه به خط خود او بود حتی در میان خلفای ضعیف، کاتب فرصت تسلط و خود رایی نداشت و در آن حالت معمولاً مهر نامه را افراد صاحب نفوذ بر خلفا می‌نوشتند (زرکشی، ۱۹۶۶: ۱۹).

نامه‌ها نقش بسیار مهمی در حکومت موحدون ایفا کرده‌اند و به عنوان اساسی‌ترین وسیله تبلیغاتی به کار گرفته می‌شد و بیشتر نامه‌ها جنبه تبلیغی داشته‌اند (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۱۵۱). کاتب به اقتضای کار خود در ارتباط تنگاتنگی با خلیفه بوده است و از نزدیکان او به شمار می‌آمده و در نزد او منزلت داشته است. گاه از سوی امرا اسناد و نامه‌های مهم را توقیع می‌کرد و گاه به جای وی به خطبه می‌رفت و نماز می‌گزارد (ابن خلدون، ۲۰۰۰: ۷/ ۵۱۴). به علاوه، در جنگ‌ها نیز امیر را یاری و از طرف او به شکایات رعایا رسیدگی می‌کرد (نمیری، ۱۹۹۰: ۴۸۷) با این همه وظیفه اصلی آنان انشای مکاتبات و عهدنامه‌ها و نوشتن دستورات لازم و درج توقیعات سلطانی بر نامه‌ها بود (ابن خلدون، ۲۰۰۰: ۷/ ۵۱۴). علاوه بر آنچه گفته شد، دیوان رسائل وظایفی دیگر داشته است که می‌توان مهمترین آن را به چنین بر شمرد:

- **مشاوره و رایزنی:** این افراد به سبب اعتماد ساختار دولتی و حاکمان به آنها در بسیاری از زمینه‌ها مشاوره می‌دادند (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۲). قلقشندی ضمن برشمردن اهمیت دیوان رسائل در رایزنی امور برای حاکمان، دبیر این دیوان را محرم اسرار و در سفر و حضر، همراه می‌خواند (قلقشندی، بی‌تا: ۱/ ۱۰۴).
- **آگاهی و نظارت بر امور نظامی:** دیوان رسائل در دوران نبرد و جنگ همواره نقش‌آفرینی داشته و در نظارت هزینه‌ها و رسیدگی به سربازان فعالیت داشت. نکته جالب اینکه در دولت موحدون جایگاهی به نام «کاتب جیش» (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۶۸) در واقع به صورت تخصصی به امورات نظامیان رسیدگی می‌کرده است و این نشان از اهمیت موضع بوده است.
- **ارتقاء فرهنگ و ادب:** افرادی که بر دیوان رسائل گماشته می‌شدند، عموماً از ادبیان و فرهیختگانی بودند که در حوزه نویسندگی دستی توانا داشتند. به همین منظور در دوره موحدون از نویسندگان اندلسی و یا افراد با تجربه دوره‌های گذشته کمک گرفته شد.
- **حفظ مصالح حکومت:** دبیران رسائل همواره سهم بسزایی در رفع مشکلات و داوری بین گروهها داشته‌اند. از آنجا که دیوان رسائل مرکزی برای نگهداری اسناد و مدارک دولتی و

دیوانی بوده نیز بسیاری از مصالح حکومت را باید در نظر می‌داشت. دبیران رسائل در تهیه و تنظیم دستورات دولتی، نامه‌ها، اختلافات دورن حکومتی و یا بیرون مرزها و حل و فصل چالش‌های متعدد بسیار تاثیرگذار بوده‌اند. ابن خلدون از آنها به نام «خداوندان قلم» یاد کرده است (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۷۳).

۲) شاخصه‌های کلی رسائل

با حضور اسلام در مغرب و تحولاتی که از خود به جای گذاشت، ساختار غالب استفاده از مکاتبات اداری و دیوان انشاء استفاده از خط و زبان عربی بود. صاحب دیوان انشاء می‌بایست بر فنون ادبی عربی تسلط داشته و از آنجا که اندلس منطقه‌ای مهم و استراتژیک برای دولت‌های مغربی به حساب می‌آمد، آشنایی با فرهنگ اروپایی نیز بسیار حائز اهمیت بود. با نگرشی دقیق در میراث به جا مانده از منابع دوره موحدون، بخش مهمی به نام رسائل دیوانی مشهود است که به شکل متون رسمی و دیوانی مشخصی در چهارچوب بندی سبکی از ادبیات سیاسی مطرح می‌گردد. این رساله‌ها شاخصه‌های خاص خود را دارد و از دیگر متون مجزا می‌شود. تلاش در این است که سبک خاص نامه‌های رسمی یا رسائل دیوانی در دوره موحدون مورد واکاوی قرار گیرد.کاتبان در این دوره تقریباً به روش یکسانی کتابت می‌کردند البته با اختلافات جزئی که تنها در برخی از نامه‌ها دیده می‌شود. مکاتبات دیوانی در دولت موحدون همانند دیگر دولتهای اسلامی آدرس و نشانه دارد یعنی در ابتدای نامه «از فلانی به فلانی» آورده شده است. جایی که نامه با ذکر شخصی که در مورد او نوشته شده و بر حسب مقتضی او را مورد خطاب قرار داده، شروع می‌شود. نامه‌ها همواره با عبارت «از امیرالمومنین» خطاب به شخصی که نامه برایش فرستاده می‌شد، آغاز می‌گشت. اتخاذ عنوان «امیرالمومنین» بیشتر دلالت بر جنبه سیاسی داشت. پس از آن متضمن دعایی مناسب گیرنده نامه و بعد از آن سلام و عبارت «اما بعد» و سپس حمد و سپاس خداوند و صلوات بر پیامبر (ص) و گاهی بر خاندان ایشان و عترت وی بوده است. نویسنده بعد از درود به امام معصوم مهدی و اوصاف و القاب برای ایشان، به اصل موضوع می‌پردازد. در دوران خلافت مامون (۶۲۴– ۶۳۰ ق/ ۱۲۲۶– ۱۲۳۲ م) و آغاز خلافت رشید (۶۳۰– ۶۴۰ ق/ ۱۲۳۲– ۱۲۴۲ م) با توجه به عدول از اندیشه مهدویت، ذکر نام مهدی در نامه‌ها کنار گذاشته شد. از خلافت یوسف بن عبدالمومن (۵۵۸– ۵۸۰ ق/ ۱۱۶۲– ۱۱۸۴ م) طلب رضوان برای اجداد خلیفه نیز به نامه‌ها افزوده شد. سپس مکان نوشتن نامه ذکر می‌شد و «نوشتیم» یا «به تو نوشتیم»، سپس یک جمله دعاگونه که ممکن است طولانی یا کوتاه باشد به دنبال آن می‌آمد. بعد از ذکر موضوع، نامه به انتها آورده می‌شود که با درود به پایان می‌رسید. ذکر تاریخ کتابت نامه به مثابه همه نامه‌ها وجود

داشت. در برخی از مکاتبات همچنین می‌توان در پایان تاریخ کتابت نامه هم هجری و هم میلادی نیز ذکر شده است، مانند نامه امیر یوسف به غرناطه در خصوص انقلاب غماره، که در پایان آورده است: این نامه در چهاردهم شوال ۵۶۲ هـ/ ۱۱۶۶ م نوشته شد (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۱۰۵). از جمله این مکاتبات برای نمونه می‌توان به نامه‌ای که به نگارش ابی جعفر بن عطیه نوشته شده اشاره کرد:

«از امیرالمومنین که خداوند او را نصرت دهد به طلبه‌ها و موحدون که در غرناطه هستند خداوند آنان را گرامی بدارد و با تقوای خود عزتشان را جاودان گرداند، سلام و رحمت و برکات خداوند متعال بر شما باد. و اما بعد، شکر و ستایش خداوند که به یاری او امورات پا برجاست و درود بر پیامبر گرامی اسلام بهترین فرستاده (ص) و درود بر خاندان و صحابه ایشان، و خشنودی بر امام معصوم ما مهدی معروف. اگر ما آن را برای شما بنویسیم –خدا آن را برای شما نوشته است شما الطاف الهی را می دانید و برکاتی که از دریای بخشش او حاصل می‌شود– خداوند نصرت و پیروزی خود را همواره وعده داده است و خداوند آنچه خیر و خوبی است، با فتح و پیروزی قرار داده است. رحمت و آمرزش خداوند نصیبتان باد.»(۳).

از همین روش و سبک در متون بیعت‌نامه‌ها از ایالت‌ها و نامه‌های والیان به مقر خلافت پیروی می‌شده است (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۳/ ۲۸۰). نامه را باید با نام کامل مخاطب به همراه عناوین شروع کرد و سپس دعای حق تعالی سپس درباره شخصی که برای او نوشته شده اشاره می‌کند و او را با وصف توصیف می‌کند پس از آن جمله دعایی و رضایت می‌آید. دعا برای حضرت خلیفه و به موضوع اصلی می‌پردازد و در انتها نیز با دعا و سلام نامه به پایان می‌رسد. این گونه مکاتبات عموماً از طرف امیران، وزیران و والیان به امیرالمومنین روی می‌داد، تفاوت اندکی که داشت مشتمل بود از: اینگونه مکاتبات با واژه «حضرت» آغاز و پس از حمد و ستایش، نام نویسنده همراه با تخلص وی به کار می‌رفت. در ادامه دعا برای توفیقات اسلام و خشنود شدن امام معصوم آورده می‌شد و سپس وارد موضوع اصلی می‌گشت. برای نمونه می‌توان به مکاتبه ابوالمطرف بن عمیره والی ارغون در اندلس به المستنصر بالله (۴)اشاره کرد (ابن عمیره، ۲۰۰۸: ۲۸– ۳۰). همچنین در مکاتبه‌ای دیگر که از سوی امیر موحدون، ابراهیم به حضور خلیفه و آغاز آن صادر شد: «آقای ما، بزرگوار، امام، شریف، مقدس، کریم، نیکوکار، دارای انوار متعالی و منشا خیر و برکت، خداوند پشتیبان شما باشد و عظمتتان را حفظ کند...(۵)» (بلغیشی، ۱۹۸۹: ۲۵۵) در این رساله عناوین و القابی که برای خلیفه به کار برده به خوبی مشهود است. مکاتبه‌ای دیگر از شیخ ابوعبدالله بن ابی ابراهیم به امیرالمومنین ابی یعقوب یوسف بن عبدالمومن: بسم الله الرحمن الرحیم صلی الله علی محمد و علی آله و سلم، و درود بر امیرالمومنین:

آقای ما، مولای ما امام عادل، خلیفه صالح و ..(۶) (ابن صلاه، ۱۹۶۴: ۲۶۵). در برخی از مکاتبات بعد از تحمیدیه عنوان «کتابنا» آمده است و سپس محل و مکان تدوین نامه آورده و بعد از آن موضوع اصلی مطرح می‌گردد. نمونه برای این نوع نگارش مکاتبات می‌توان به نامه ابی جعفر ابن عطیه از طرف ابی حفص موحدی به خلیفه امیرالمومنین عبدالمومن بن علی درباره عصیان محمد بن هود سلاوی معروف به ماسی آورده است: «این نامه در وادی ماسه نوشته شد پس از اینکه امر خداوند محقق و نصرت و پیروزی نمایان گشت...(عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۵۷). در این نوع نگارش از مقدمه و تحمیدیه و امام معصوم، سخنی نیست. نگارنده خبر مهمی برای خلیفه داشته است و از مقدمات صرف‌نظر می‌کند.

بدین ترتیب ویژگی‌های کلی و عمومی رسائل دیوانی موحدون را می‌توان در موارد زیر ذکر کرد:

- استفاده از تحمیدیه هم در ابتدا و هم در انتهای مکاتبه
- سلام و صلوات بر پیامبر گرامی اسلام (ص) و یاران ایشان
- اشاره مستقیم به مهدویت و گفتمان سیاسی موحدون که بر آن شکل گرفته بود.
- از شاخصه‌های مهم و اساسی رسائل دیوانی موحدون در آن است که اصل مطلب و موضوع ویژه بدون توضیحات اضافی نگاشته شده و مطالب حاشیه کمتر دیده می‌شود.
- از نکات جالب دیگر اینکه رسائل دیوانی موحدون تنها در نثر منحصر نشده بلکه در میانه مطالب شعر و نظم نیز آورده می‌شود. مانند نامه‌ای که خلیفه عبدالمومن برای اهالی اشبیلیه ارسال می‌کند (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۸۲). همچنین رساله‌ای از دوره موحدون داریم که تمام نظم و شعر است و اگرچه سنت مکاتبات سلطنتی آنها نیست، قصیده‌ای که امیرالمومنین یوسف بن عبدالمومن به نگارش ابن طفیل (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۳/ ۱۱۵) برای دعوت از عرب‌های افریقیه ارسال کرده است (عزاوی، ۱۹۹۵: ۳/ ۱۱۶).
- در مطالب مکاتبات اطلاعاتی از فرهنگ ادبی و تاریخی نیز می‌توان استخراج کرد، بنابراین تلفیق مفاهیم رسائل با شعر، ضرب المثل، سخنان و حوادث تاریخی از شاخصه‌های این دوره می‌باشد.
- پشت نویسی؛ در برخی از مرسولات و مکاتبات پشت نویسی نیز دیده شده است (همان، ۱/ ۴۷۶-۴۷۷).
- تقدیم؛ مخاطب نامه و رسائل اگر مشخص نمی‌بود به صورت کلی برای مخاطبان متعدد نگاشته می‌شد و در ابتدا کاتب اشاره می‌کرد، البته در نوشته‌ها سبک خاصی برای آغاز این

نوع نامه دیده نمی‌شود و بیشتر به قریحه و سلیقه کاتب برمی‌گشت و از جملات متعددی استفاده می‌شده است. مثلاً الی اهل فلان در نامه‌ای همه کارگزاران را خطاب قرار داده است: «الی الوزراء و الفقهاء و الاعیان والاعلام و الحسباء و الصدور العلیه...»(همان، ۴۱۹/۱) برخی با جملات دیگری همچون، آدام الله کرامتهم، و ان تعلموا، و ان کتبناه، و ...

۳)شاخصه‌های جزئی
استفاده از عناوین و القاب خاص

موحدون خلافت عباسی را به رسمیت نشناخته و خود را در جایگاه خلافت اسلامی می‌دانستند. عصر موحدون، زمانی بود که ضعف سیاسی خلافت عباسی مشهود بود. این همان چیزی بود که ابن تومرت در جریان سفر خود به شرق کشف کرد. امری که او را به ایجاد یک خلافت قوی و منسجم اسلامی در مغرب اسلامی ترغیب نمود (حسن، ۱۹۸۰: ۵۶). رسایل دیوانی موحدون حاوی مفاهیم متعددی بوده که در بخشی از آن می‌توان به جایگاه خلافت به عنوان پایگاه دینی و دنیوی استنباط کرد. خلیفه، مقام عالی حکومت اسلامی که بر ارتش نظارت می‌کرد و در عزل و نصب نیروهای اداری و دیوانی نقش داشت. همچنین امامت نماز و برگزاری مراسمات مذهبی زیر نظر وی بود. از جمله مولفه‌های خلفا ضرب سکه بود که دستور آن را می‌دادند. دولت موحدون در ابتدا بر اساس اندیشه امامت و توحید شکل گرفت، پس از آنکه عبدالمومن به قدرت دست یافت، ساختار دولت از شکل نهضت به نظام درآمد. قدرت سیاسی تثبیت گشته و ساختار اداری پایه‌گذاری شد. رسائل دیوانی موحدون دلالت به رویکرد سیاسی دارد که جنبه‌های متعددی را در برمی‌گیرد، عنوان «امیرالمومنین» از اصطلاحاتی است که جنبه مشروعیت برای خلفای موحدی داشته و آنها را از خلیفه عباسی بغداد، مستقل اعلام می‌کرده است(۷). نکته قابل تامل در این مسئله در خصوص بعد از امیرالمومنین عبدالمومن است که فرزندش یوسف به خلافت می‌رسد، وی در ابتدا از به کاربردن عنوان «امیرالمومنین» برای خود اکراه داشته و تنها با عنوان «امیر» اکتفاء می‌کرده و امیرالمومنین را تنها به پدرش اختصاص داده بود. در این باره خلیفه یوسف بن عبدالمومن مکاتبه‌ای که به والی غرناطه در خصوص شورش غماره دارد، چنین آورده:

«بسم الله الرحمن الرحیم، صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیما و الحمدلله وحده، من الامیر یوسف بن امیرالمومنین، ....»(عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۱۰۹)

سعد زغلول در این خصوص معتقد است: یوسف لقب امیرالمومنین را در حدود پنج سال ابتدایی خلافتش به کار نبرد؛ به سبب اینکه مدعیان خانوادگی از جمله برادرانش؛ عبدالله و عثمان از بیعت با او امتناع کرده و برخی از مشایخ موحدون نیز با آنها همراه شدند. همچنین در ابتدا یوسف با ناآرامی‌های مناطق مختلف مواجه گشت و تهدیدی برای ساختار مشروعیت او بود (سعد زغلول، ۲۰۰۴: ۶/ ۲۴). اما بعد از سروسامان دادن به شرایط داخلی و پیروزی بر شورش سبع بن منخفاذ غماری در سال ۵۶۳ هـ/ ۱۱۶۷ م (ناصری سلاوی، ۱۹۹۴: ۲/ ۹۹)، در پیامهایی که برای بیعت از خلیفه یوسف مکاتبه شده، به طور رسمی از عنوان «امیرالمومنین» استفاده شده است (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۱۱۱). در سال ۵۶۳ هـ/ ۱۱۶۸ بار دیگر با خلیفه ابی یعقوب به صورت رسمی با عنوان امیرالمومنین بیعت شد (ابن صلاه، ۱۹۶۴: ۲۵۸).از جمله القاب دیگری که برای خلفا در مکاتبات استفاده می‌شد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

برای مهدی، علاوه بر الامام المعصوم و المهدی المعلوم، «القائم الی امر الله» و «الداعی الی سبیل الله»(ولد داداه، ۱۹۷۷: ۱۴۱)، این عناوین در ابتدای نامه بعد از ابن تومرت استفاده می‌شد جز آن دوره‌ای که اندیشه ابن تومرت در زمان مامون انکار شد. علاوه بر این به تاسی از خلفای عباسی القابی استفاده می‌شد که به نحوی مشروعیت سیاسی نیز پیدا می‌کرد، همانند: «المستنصر بالله»(ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۳/ ۲۶۸)، «المنصور الناصر لدین الله»(عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۲۰۰) و یا «الامام الاعدل الخلیفه الصالح المنصور بالله»(همان، ۱/ ۱۱۳). در خصوص خلیفه زادگان و یا ولیعهدان نیز در برخی رسائل القابی استفاده می‌شده است: «السید الاجل» و یا «السید الاجل الملک االعدل»(ابن مغاور، ۱۹۹۴: ۱۴۴).

- با توجه به اینکه موحدون گفتمان فکری و دینی جدید مطرح کردند، تسلط روح دینی بر رسائل آنان و تقویت آن با آیات قرآن و احادیث نبوی و سیره پیامبر کاملاً مشهود است.
- احکام فقه و شریعت. خلیفه در دوره موحدون هم جنبه سیاسی و هم جنبه مذهبی داشت. این امر در رسائل آن‌ها که به مسائل شرعی می‌پردازند و به اجرای احکام اسلام در زندگی روزمره اشاره دارند، دیده می‌شود.
- بخشی از رسائل مسئله دعوت به جهاد، پیروزی بر دشمنان یا دعوت به دین می‌پردازد. یکی از دلایل غلبه روحیه دینی بر رسائل موحدون به دلیل ماهیت موضوع و گفتمان فکری موحدون مخصوصاً در اندلس است که عمدتاً ماهیتی مذهبی داشته است. البته این امر همچنین از فضای اندیشه‌ای آن زمان در منطقه مغرب جهان اسلام نشات می‌گرفت. مسئله‌ای که با چالش مسلمین و مسیحیان اهمیت بیشتری یافت (سعید، ۲۰۰۱: ۱۲۴).

- یکی از امتیازات رسائل دیوانی، دقت در نوشته‌ها از نظر لحن و معنا است. بلاغت کلامی، آثار مکتوب را از آنچه گفتار معمولی بوده، متمایز می‌کند و ظرافت خاصی می‌بخشد. از نظر سبک‌شناسی، برخی از نویسندگان با به کارگیری آرایه‌های ادبی چون جناس، تضاد، تشبیه، استعاره و کنایه و همچنین نکات بلاغی، رسائل دیوانی را پربارتر و ادبی‌تر می‌کردند. در رسائل دیوانی موحدون استفاده از صنایع ادبی به خوبی دیده شده و از آنجا که امکان تنوع در کلمات را فراهم می‌کند و آزادی بیشتری به نویسنده برای رساندن معنای خود به گیرنده می‌دهد، استفاده از آن به شرایط بستگی دارد و معنا را به صورت کنایه‌آمیز می‌رساند. نمونه‌های فراوانی از رسائل دیوانی موحدون موجود است که به نکات بدیع مزین است از جمله آن، مکاتبه بین ابی جعفر بن عطیه و ابی حفص هنتانی در خصوص از سرکوبی شورش ماسی(۸).

مهم‌ترین کاتبان و نویسندگان

دولت موحدون برای رسائل دیوانی، کاتبان و نویسندگانی به خدمت می‌گرفت که از نظر ادبی و بلاغی توانمند بوده که بتوانند به زیباترین شکل مفاهیم و موضوعات را مطرح کنند. چنین به نظر می‌رسد خلفای اولیه دولت موحدون در انتخاب کاتبان خویش به تجارب اداری و علم و ادب کاتبان می‌نگریسته‌اند. از این رو در خلافت عبدالمومن، کاتبان از کسانی بوده‌اند که در دستگاه مرابطون، چه در مغرب و چه در اندلس خدمت کرده بودند یا در دستگاه دولتهای دیگر تجربه کسب کرده بودند. مرابطون همچنین در معرفی افراد باتجربه اندلس به مغرب کمک شایانی کردند و در دوره آنها بود که کاتبانی چیره دست از اندلس آورده شدند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۲۲) به ویژه در دوره علی بن یوسف بن تاشفین که در این امر اصرار داشت (Hopkins, 1958: 12) از آنجا که پایگاه اصلی تصمیم‌گیری، مغرب بود، چه در دوره مرابطون و چه در دوره موحدون، کاتبان به دنبال شهرت و جاه به مراکش روی آورده و در آنجا اقامت می‌گزیدند (ابن سعید، ۱۹۵۹: ۴۲). کاتبان و دبیران دیوان رسائل در دوره‌های مختلف از افراد زبده و توانمند انتخاب می‌شدند. در ادامه به برخی از مهمترین شاخصه‌های کاتبان بر اساس نظر منابع اشاره می‌شود:

- هوش، بصیرت، خردمندی و حسن تدبیر (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۷۹).
- امانت‌داری و رازداری، شجاعت و شهامت (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱/ ۱۶۸).
- خط نیکو و خوش‌نویسی (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۱/ ۸۷).
- فصاحت و بلاغت و آشنایی در نویسندگی (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۷۱).

- آگاهی به قرآن و احکام دینی (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۷۴).

از جمله معروفترین کاتبان دوره موحدون می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

ابوجعفر ین عطیه: ابوجعفر احمد بن جعفر بن عطیه القضاعی از اهالی مراکش، اصالتاً از قرمله منطقه طرشوش در شرق اندلس بود که در سال ۵۱۷ هـ/ ۱۱۲۳ م تولد یافت (ابن الابار، ۱۹۸۵: ۲/ ۲۳۸). پدرش ابو احمد کاتب علی بن یوسف مرابطی بود که در نویسندگی مهارت و توانایی بالایی داشت. ابوجعفر بخش اعظمی از دانش کتابت را از پدرش فراگرفت و حضور در دستگاه دیوانی نیز در توانایی او تاثیر داشت. پس از فتح مراکش توسط موحدون و شکست دولت مرابطون، او فرار کرد، قیافه‌اش را تغییر داد، شبیه یک سرباز شد و خود را پنهان ساخت (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). ابوجعفر در جریان لشکرکشی شیخ ابی حفص علیه عصیان ماسی مشارکت داشت (ابن خطیب، ۱۹۷۳: ۱/ ۲۶۳)، بدین صورت که در سپاه تیراندازان بود و در جریان نبرد در پنجشنبه ۱۶ ذی الحجه ۵۴۲ هـ/ ۱۱۴۷ م مقاومت ماسی شکسته و بر او پیروز شدند (ابن الآبار، ۱۹۶۱: ۲۶۴). ابوحفص به دنبال آن بود که خبر پیروزی را به خلیفه عبدالمومن برساند اما کسی را در میان یاران خود نداشت که کتابت کرده باشد. به اطلاع او رساندند که تیرانداز جوانی، ادبیات و خط خوبی دارد، پس او را احضار کرده و با تشریح فقدان کاتب، از او تقاضای کتابت کرد. تیرانداز جوان پذیرفت و نامه را نگاشت (ابن خطیب، ۱۹۷۳: ۱/ ۲۶۴). هنگامی که این پیام به عبدالمؤمن رسید، متن آن را مورد ستایش قرار داد و بسیار تحت تأثیر آن قرار گرفت. خلیفه او را احضار کرد، مسائل دیوانی و وزارتش را به او سپرد و به او اختیار داد تا به همه امور رسیدگی کند (مقری، ۱۹۸۸: ۵/ ۱۸۴). زمانیکه خلیفه عبدالمومن عبدالسلام الکومی را به وزارت منصوب کرد (ابن خطیب، ۱۹۷۳: ۱/ ۲۶۵)، ابن عطیه را فراخواند درحالیکه او در اندلس بود. بدخواهان گزارشاتی از او به خلیفه داده بودند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۴۰)، به هر صورت ابن عطیه زندانی گشت و بعد از مدتی به دستور خلیفه او و برادرش ابوعقیل در سال ۵۵۳ هـ/ ۱۱۰۸ م به قتل رسیدند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). ابوجعفر در آن زمان ۳۶ ساله و برادرش ۲۳ ساله بودند (ابن الآبار، ۱۹۸۵: ۲/ ۲۸۳). ابوجعفر کاتب و نویسنده چیره دست و از ادیب‌ترین افراد زمان خویش بود (مقری، ۱۹۸۸: ۵/ ۱۸۶) خلیفه عبدالمومن پس از قتل آنها، از کار خود پشیمان و گریه کرد (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۳/ ۴۸).

ابوعقیل ابن عطیه: او برادر ابوجعفر، در سال ۵۳۰ هـ/ ۱۱۳۵ م به دنیا آمد و همراه برادرش به قتل رسید (ابن الآبار، ۱۹۸۵: ۲/ ۲۳۸). ابوعقیل همواره برادرش را در کار وزارت و نگارش رسائل همراهی می‌کرد (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۱۹). از جمله رسائلی که به قلم وی باقی مانده است، مکاتبه خلیفه عبدالمومن به طلبه تلمسان در ۱۰ شعبان ۵۴۷ هـ/ ۱۱۵۲ م جهت ترغیب وی برای فتح قسطنیه (بروفنسال، ۱۹۴۱: ۲۲)، مکاتبه‌ای که خلیفه عبدالمومن برای طلبه بجایه در ۱۰ شعبان ۵۵۲ هـ/ ۱۱۵۷ م فرستاد و او را از فتح مریه، بیاسه و ابذه مطلع ساخت (همان، ۷۳).

ابوالقاسم قالمی: ابوالقاسم عبدالرحمن قالمی از منطقه قالمه در قطریونه (ابن سعید، ۱۹۸۷: ۲۶۵) بود. او برای خلیفه عبدالمومن بن علی کتابت می‌کرد، زمانیکه او به ساختار اداری راه یافت، ابن عطیه سال آخر وزارتش بود (۵۵۳ هـ/ ۱۱۵۸ م). ابوالقاسم از بزرگان و مشاهیر کتابت در روزگار یوسف بن عبدالمومن بود که ابوالفضل جعفر بن محمد معروف به ابن محُشَّوه از اهالی شهر بجایه به او کمک می‌کرد (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۶۸). از او مکاتبات و رسائل فراوانی به جا مانده که بیشتر در زمان خلیفه یوسف بوده است (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۲۰).

ابوالحسن بن عیاش: ابوالحسن بن عبدالملک بن عیاش بن فرج الازدی قرطبی، که در دوره مرابطون برای ابی جعفر احمد بن حمدین قاضی به کتابت اشتغال داشت، در اواخر دوره مرابطون کناره گرفت و نزد یکی از دوستانش به نام ابی الاصبغ باجی ماند (ابن عبدالملک، ۱۹۶۵: ۵/ ۲۷) او سپس نزد ابی حفص به کتابت پرداخت (سملالی، ۱۹۹۳: ۸/ ۳۵۸) همراه با او به تلمسان رفت و پس از قتل ابن عطیه، نزد والی اشبیلیه ابو یعقوب یوسف بن عبدالمومن رفت و منصب کتابت وی را برعهده گرفت (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۸۰) تا اینکه در سال ۵۶۸ هـ/ ۱۱۷۲ م وفات یافت (سملالی، ۱۹۹۳: ۸/ ۳۶۹). او مردی ادیب، نویسنده‌ای فصیح، شاعری فاخر، صاحب نثر و قافیه، در خوشنویسی درخشان و خوش خط بود (ابن عبدالملک، ۱۹۶۵: ۵/ ۲۲۷).

ابن مغاور شاطبی: ابوبکر بن مغاور، در سال ۵۰۲ هـ/ ۱۱۰۸ م در شاتیوا (Xàtiva) به دنیا آمد، از خاندانی عرب معروف به بنی سلیم که مردمانش در دانش سرآمد بودند. او علم را از بزرگانی چون پدرش، علی صفدی، ابوجعفر بن غزلون و دیگران فرا گرفت (ابن بشکوال، ۲۰۰۸: ۳/ ۱۴۲). ابن مغاور در حوزه کتابت و نویسندگی از سرآمدان گشت و شاگردانی تربیت کرد: از جمله ابن حوط الله(۹) ، ابوبکر محمد بن سلیمان سلمی شاطبی، ابوعمرو سالم ابن

صالح بن سالم المالقی. ابن مغاور فعالیت متعددی را بر عهده گرفت که اولین آنها نوشتن شروط و قراردادها بود. از وقتی که پدرش در سال ۵۳۶ هـ/ ۱۱۴۱ م از دنیا رفت، امورات دیوانی نیز بر عهده او قرار گرفت و مدتی نزد ابن مردنیش بود. وقتی که خلیفه یوسف بن عبدالمومن، به شاطبه وارد شد، او بیعت نامه اهالی شاطبه را برای خلیفه نوشت (ابن مغاور، ۱۹۹۴: ۵۴)، ابن مغاور بعد از مدتی که کتابت خلیفه یوسف را انجام داد، در صفر ۵۸۷ هـ/ ۱۱۹۱ م در سن ۸۵ سالگی از دنیا رفت.

ابوموسی قاضی: عیسی بن عمران بن دافال مکناسی وردمیشی تلمسانی (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۲۰) در شعبان ۵۱۲ هـ/ ۱۱۱۸ م به دنیا آمد (ابن دحیه، ۱۹۵۵: ۴۵). مدتی نزد ابی الحسن بن عبدالله ابن خزار دانش را فرا گرفت و سپس در سال ۵۳۰ هـ/ ۱۱۳۵ م به اغمات رفت و نزد ابا محمد لخمی علم آموخت، بعد از آن در مراکش به دیدار ابایوسف حجاج شتافت و شاگردی کرد (ابن عبدالملک، ۱۹۶۵: ۸/ ۲۵۴). ابوموسی مدتی نیز به اندلس رفته و در کرسی ابی القاسم بن ورد تلمذ نمود. او قاضی اشبیلیه، به عدالت و پارسایی مشهور و از فقیهان و اهل سخاوت بود (مکناسی، ۱۹۷۳: ۵۰۳). پس از آنکه خلیفه عبدالمومن موحدی مغرب میانه را فتح کرد، قاضی ابوموسی با گروهی از اهالی اشبیلیه نزد خلیفه رفته و اظهار همراهی کردند. زمانیکه خلیفه عبدالمومن مهدیه را فتح کرد، به او دستور داد که شعری بسراید تا اعراب بنی سلیم منطقه را به اطاعت درآورد (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۲۲).

ابن مبشر: ابوعبدالله محمدبن عبدالله بن مبشر بن عبدالله بن یونس بن عمران قیسی از منطقه مکانسه (همان، ۱/ ۲۳) نویسنده‌ای فاخر، نیکوکار، استاد خوشنویسی بود (ابن عبدالملک، ۱۹۶۵: ۸/ ۳۱۱).

ابوحفص بن عبدالمومن: ابوحفص عمر بن عبدالمومن، مادرش صفیه دختر ابی عمران که او را در جزیره قادس به دنیا آورد (بیذق، ۱۹۸۰: ۱۳۸). او چون بزرگ شد، والی تلمسان در سال ۵۴۹ هـ/ ۱۱۵۴ م گشت. ابوحفص در امورات دیوانی و کتابت فعالیت می‌کرد و مکاتباتی از وی به جا مانده است (ابن صلاه، ۱۹۶۴: ۱۹۴).

ابوالحسن بن زید اشبیلی: ابوالحسن علی بن زید نجار کاتب اهل اشبیلیه (ابن الابار، ۱۹۸۹: ۱۰۸) او از سال ۵۶۸ هـ/ ۱۱۷۲ م نزد خلیفه یوسف به کتابت پرداخت (ابن عبدالملک، ۱۹۶۵: ۵/ ۲۱۴) در ادب و نویسندگی بسیار متبحر و کاردان بود (ابن الابار، ۱۹۸۹: ۱۰۸) اما به علت شیوع طاعون در مراکش در سال ۵۷۱ هـ/ ۱۱۷۵ م به این مریضی دچار و از دنیا رفت (رعینی اشبیلی، ۱۹۶۲: ۲۷). او مکاتبات بسیاری انجام داد از جمله آن معاهده‌ای مبنی

بر آتش بست با بعضی از ممالک مسیحی اسپانیا در سال ۵۶۹ هـ/ ۱۱۷۳ م (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۱۳۴).

ابوالحکم بن عبدالعزیز ابن مرخی: علی بن محمد بن عبدالملک بن عبدالعزیز لخمی از اهالی اشبیلیه، در سال ۵۱۹ هـ/ ۱۱۲۵ م تولد یافت (همان، ۱/ ۲۴) پدرش ابوبکر از مشاهیر و بزرگان علمی مدتی در قرطبه ساکن بود. علی نزد پدر به علم آموزی پرداخت و در دانش کتابت سرآمد گشت و سپس به اشبیلیه و مراکش رفت و ادیبی نامور شد (ذهبی، ۲۰۰۸: ۳۱۷) و نزد ابویعقوب بن عبدالمومن به کتابت پرداخت (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۲۵). ابوالحکم در سال ۵۸۴ هـ/ ۱۱۸۸ م در مراکش از دنیا رفت (ابن دحیه، ۱۹۵۵: ۲۰۹).

ابوالحسن قلنی: علی بن یحیی بن سعید بن مسعود بن سهل انصاری تلمسانی قلنی (عبدالملک، ۱۹۶۵: ۸/ ۲۱۳)، او مدتی در تلمسان بود و سپس به مراکش و سرانجام در اشبیلیه ساکن شد (مکناسی، ۱۹۷۳: ۴۸۴). او فقیهی ادیب و خوش خط بود و مدتی نیز در جامع قرطبه کرسی استادی داشت (ابن عبدالملک، ۱۹۶۵: ۸/ ۲۱۳). ابوالحسن مکاتبات متعددی انجام داد از جمله پاسخ به مکاتبه خلیفه منصور در خصوص پیروزی آلارک (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۲۶).

ابو بحر بن صفوان بن ادریس: صفوان بن ادریس تجیی مرسی (مقری، ۱۹۸۸: ۵/ ۶۲) در سال ۵۶۰ هـ/ ۱۱۶۴ م در مرسیه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را از ابی القاسم حبیش و ابی عبدالله بن حمید فرا گرفت و مدتی نزد ابی العباس بن مضاء شاگردی کرد (ابن الابار، ۱۸۸۶: ۱/ ۵۵) مدتی در مالقه اقامت داشت و سپس به مراکش رفت (ابن خمیس، ۱۹۹۹: ۲۱۳). او ادیب فصیح، فقیه عالم، از نویسندگان برجسته و سرشناس که مکاتبات ویژه‌ای با کلمات پرمغز و پر مفهوم داشته است (صفدی، ۲۰۰۰: ۱۶/ ۱۸۶). ابوبحر در سال ۵۹۸ هـ/ ۱۲۰۱ م از دنیا رفت (مقری، ۱۹۸۸: ۵/ ۷۰).

ابوعبدالله بن عیاش: محمدبن عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن عیاش تجیی که در شهر برشانه سال ۵۵۰ هـ/ ۱۱۵۵ م متولد شد، در همانجا دانش اولیه را فرا گرفت، سپس به مراکش رفت (ابن عبدالملک، ۱۹۶۵: ۳۸۷/۶) در ابتدا به خدمت اباحفص بن خلیفه یوسف بن عبدالمومن در مرسیه رسید. او کتابت خلفای آخر موحدی از جمله ناصر و مستنصر را بر عهده داشت (مراکشی، ۱۳۹۰: ۲۱۰). ابوعبدالله نزد خلفا جایگاه بالایی داشت. این کاتب معروف در سال ۶۱۸ هـ در مراکش وفات یافت (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۲۸).

از دیگر کاتبانی که در ساختار اداری رسائل دیوانی موحدون فعالیت می‌کردند، می‌توان افراد زیر را نام برد: احمدبن محمد (ابن صلاه، ۱۹۶۴: ۲۵۸)، ابن مصادق (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۱۲۸)، ابوالفضل جعفر بن محمد معروف به ابن‌مُحشّوه (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۶۸). ابوعلی بن نارار (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۱۶۰)، ابوالفضل بن طاهر بن محشره (غبرینی، ۱۹۷۹: ۵۳)، ابو محمد بن حامد (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۳۰)، ابوعبدالله بن نخیل (ابن خلدون، ۱۹۹۲: ۶/ ۲۳۰)، ابوالمیمون (قلقشندی، [بی‌تا]: ۶/ ۵۴۶)، ابوالعباس بن جعفر (عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۳۳)، ابوالمطرف بن عمیره (غبرینی، ۱۹۷۹: ۳۰۱)، ابوالعلاء ادریس المامون بن خلیفه منصور (ابن عذاری، ۱۹۹۵: ۳/ ۲۷۴)، ابن عبدون مکناسی (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۱).

نتایج پژوهش:

بررسی ها نشان داد پژوهش درباره ساختارهای اداری و دیوانی در دولت‌های اسلامی با وجود کمبود منابع، دارای اهمیت بسزایی است، به‌خصوص اگر این مطالعه در حوزه غرب جهان اسلام و قرون میانه آن باشد. مطالعات مقدماتی حاکی از آن است،حضور مسلمانان در مغرب و اندلس با تشکیل حکومت‌های اسلامی به شکوفایی علمی و تمدنی نیز منجر شد و تاسیس دیوان‌های متعدد و تنظیم ساختارهای اداری از جمله نتایج این حضور می‌تواند باشد. بررسی‌ها نشان داد موحدون به عنوان یکی از دولت‌های بومی مغرب توانستند با الهام از سنت‌های اسلامی و میراث باقی مانده در مغرب و اندلس، سازمان اداری منسجم و مدونی پایه‌ریزی کنند. در ساختار دیوانی دولت موحدون، کتابت و نامه‌های رسمی جایگاه مهمی داشت، این امر از آنجا بیشتر مشهود است که در ابتدا امور کتابت و وزارت را بر عهده یک شخص گذاشته بودند. در دوره‌های بعدی این امر تخصصی و ویژه گشت. مکاتبات متعدد و نامه‌های رسمی موحدون، به وضوح نشان‌دهندهٔ جایگاه والای نگارش و نامه‌نگاری در نزد خلفای موحدون است، همان‌طورکه اهمیت و نقش این نامه‌ها در زمینهٔ اطلاع‌رسانی و ارتباطات در داخل و خارج از کشور به خوبی نمایان می‌شود. اهمیت علمی و تاریخی این نامه‌ها را می‌توان از طریق اطلاعاتی که در آنها وجود دارد، دریافت. مطالعات نشان داد می توان از طریق این نامه‌ها به برخی از جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی و اقتصادی در آن دوره دست یافت. همچنین می‌توان از طریق بررسی زبان، سبک و اصطلاحات مختلف این نامه‌ها، تصویری روشن از سطح زندگی ادبی و فکری

این جامعه به‌طورکلی و نویسندگان به‌طور خاص اطالعات مهمی بدست آورد . طالعات نشان داد محتوی نامه‌ها بسته به موضوعی که داشته متفاوت بوده است اما اکثراً جنبه رسمی و از سوی دولتمردان صادر می‌شده است. فردی که بر دیوان رسائل گماشته می‌شد، هم توانایی در نوشتن و هم فنون بلاغت را در سطح بالا می‌دانست و همچنین مشاور خلیفه نیز محسوب می‌شد. استفاده از عناوین و القاب، فنون بلاغت، شعر، اشاره‌های تاریخی و گاه مطالب فقهی بخشی از رسائل موحدون را در بر می‌گرفت. کاتبان رسائل افرادی انتخاب می‌شدند که تجربه آن را در دولت‌های دیگر داشته، دانشمند و ادیب بودند. این افراد می‌بایست دارای هوش، بصیرت، امانت‌داری، رازداری، خوش‌خط و آگاهی به قرآن و احکام دینی بوده و همچنین مشاورانی خوب برای خلیفه به شمار می‌آمدند.

پی‌نوشت

۱.غربی، بغداد (۲۰۱۶)، الکتابۀ الرسمیۀ عند الموحدین فی الغرب الاسلامی ۵۴۱ – ۶۶۸ ه / ۱۲۶۹–۱۱۴۶ م أنواعها، مراسیمها، وأهمیتها التاریخیۀ، قسم العلوم الاجتماعی، عدد ۱۶، صص ۴۴– ۵۵

۲. بروفنسال، لویی (۱۹۴۱). مجموعه رسائل موحدیه من انشاء کتاب الدوله المومنیه، رباط الفتح: مطبوعات معهد العلوم العلیا المغربیه.

۳. من أمیر المؤمنین أیده الله بنصره وأمده بمعونته إلی الطلبۀ والموحدین الذین بغرناطۀ أعزهم الله وأدام کرامتهم بتقواه سلام علیکم ورحمۀ الله تعالی وبرکاته. أما بعد حمد الله الذی علی عونه مستند الاعتصام ... والصلاۀ علی محمد عبده ورسوله موضح سبل السلام ... وعلی آله وصحبه،... والرضا عن الإمام المعصوم المهدی المعلوم ... فإن کتبناه إلیکم – کتب الله لکم تعرف الآلاء المستجدۀ، وبرکۀ المواهب التی هی من بحر عطائه مستمدۀ– من مترل الموحدین أظهرهم الله– بظاهر المهدیۀ– فتحها الله ووعد الله لأولیائه.... " والله یعرف الیمن فی ذلک والخیرۀ، ویجعله عنوان الإقبال وفاتحۀ النصر بمنه، والسلام علیکم ورحمۀ الله وبرکاته"(عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۷۱)

۴. الحضرۀ الإمامیۀ العلیۀ المنصورۀ الأعلام، الناصرۀ للإسلام المخصوصۀ من العدل والإحسان ما یلجو نوره متراکم الإظلام، حضرۀ سیدنا ومولانا الخلیفۀ (الإمام) أمیر المؤمنین أبی یعقوب ابن سادتنا الخلفاء الراشدین...

۵. الخضرۀ العلیۀ الإمامیۀ المعظمۀ المکرمۀ القدسیۀ، المؤیدۀ المنصورۀ الزکیۀ. مطلع الأنوار الساميۀ، ومنشأ الخیرات النامیۀ،...

۶بسم الله الرحمان الرحیم صلی الله علی محمد وعلی أله وسلم الحضرۀ الساميۀ، حضرۀ سیدنا ومولانا الإمام الأعدل، الخلیفۀ الصالح... محمد بن أبی إبراهیم: سلام علی حضرۀ سیدنا ومولانا أمیر المؤمنین بن أمیر المؤمنین ورحمۀ الله تعالی

وبرکات، وبعد حمد الله علی إعلاء هذا الأمر... والصلاة علی محمد رسوله ونبیه الصفی الأمین،... والرضا عن الإمام المعصوم، المهدی المعلوم... فکتبه خدیمکم من أغرناطة... والسلام الأجزل،... کتب فی النصف من جمادی الأخیرة عام ثلاثة وستین وخمس مائة"

۷.نکته قابل توجه این است که مرابطون عنوان «امیرالمسلمین» را به کار می‌بردند و موحدون از «امیرالمومنین» استفاده کردند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: بهنام‌فر، ۱۴۰۱: ۷۹.

۸.«فتح بهر الأنوار إشراقا، وأحدق بنفوس المؤمنین إحداقا، ونبه من الأمانی النائمة جفونا وإحداقا، واستغرق غایات الشکر استغراقا، فلا تطیق الألسن لکنه وصفه إدراکا ولا لحاقا، جمع أشتات الطلب والأرب، وتقلب فی النعم أکرم منقلب وملأ دلاء الآمال إلی عقد الکرب»(عزاوی، ۱۹۹۵: ۱/ ۵۷).

۹. اِبْنِ حَوطِاللّه، ابومحمد عبدالله بن سلیمان انصاری حارثی اُنْدی (۶۱۲–۵۴۹ ق/ ۱۲۱۵–۱۱۵۴ م)، قاضی، فقیه، محدث، ادیب و شاعر اواخر عصر موحدون در اندلس. (دایره المعارف بزرگ اسلامی)

فهرست منابع و مطالعات

-ابن ابی زرع فاسی، ابوالحسن علی بن عبدالله (۱۴۲۰ ق / ۱۹۹۹ م). *الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس*، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط: المطبعه الملکیه.

-ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*، ترجمه عباس خلیلی، بیروت: دارالصادر لطباعه و النشر.

-ابن الابار، (۱۸۸۶). *تکلمه لکتاب الصله*، سفر اول، مجریط: مطبعه روخس.

-ابن الآبار، (۱۹۸۵). *الحله السیراء*، تحقیق و تعلیق: حسین مونس، قاهره، دارالمعارف.

-ابن الآبار، (۱۹۸۹). *المقتضب من تحفة القادم*، تحقیق: إبراهیم الأبیاری، القاهرة: دار الکتاب.

-ابن الابار، ابوعبدالله محمد بن عبدالله (۱۹۶۱). *اعتاب الکتاب*، تحقیق: صالح الاشتر، دمشق: مطبوعات مجمع اللغه العربیه.

-ابن بشکوال، ابوالقاسم خلف (۲۰۰۸). *کتاب الصله و معه کتاب صله صله لابن زبیر*، ابوجعفر بن ابراهیم غرناطی، تحقیق: شریف ابوالعلا العدوی، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیه.

-ابن خطیب، ابوعبدالله محمد بن عبدالله غرناطی (۱۹۷۳). *الاحاطه فی اخبار غرناطه*، تحقیق: محمدعبدالله عنان، قاهره: مکتبه الخانجی.

-ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). *مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ هشتم، تهران: انشارات علمی و فرهنگی.

-ابن خلدون، عبدالرحمن (۲۰۰۰ م). *العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر*، به کوشش: خلیل شحاذه و سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.

-ابن خمیس، ابوعبدالله بن عسکر (۱۹۹۹). *أعلام مالقة*، تقدیم وتخریج وتعلیق: عبد الله المرابطی الترغی، دار الغرب الإسلامی.

-ابن دحیة ذو النسبین، ابو الخطاب عمر بن حسن (۱۹۵۵). *المطرب من أشعار أهل المغرب*، تحقیق: إبراهیم الأبیاری و آخران، مراجعة: طه حسین، بیروت: دار العلم للجمیع.

-ابن سعید مغربی، نورالدین ابوالحسن بن علی موسی (۱۹۵۹). *اختصار القدح المعلی فی التاریخ المحلی*، به کوشش ابراهیم ابیاری، قاهره: الهیئه العامه لشوون المطابع الامیریه.

-ابن سعید، (۱۹۸۷). *رایات المبرزین و غایات المیزین*، تحقیق و تعلیق: محمد رضوان دایه، طلاس للدراسات و الترجمه و النشر.

-ابن صاحب الصلاة، ابو مروان عبد الملک (۱۹۶۴ م). *المن بالامامة علی المستضعفین بأن جعلهم الله أئمة و جعلهم الوارثین*. تحقیق، عبد الهادی التازی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

-ابن طقطقی، محمدبن علی بن طباطبا (۱۳۶۷). *تاریخ فخری در آداب ملک‌داری و دولت‌های اسلامی*، ترجمه محمدوحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

-ابن عبدالملک، ابوعبدالله محمد بن محمد بن عبدالانصاری الاوسی مراکشی (۱۹۶۵). *الذیل و التکلمه لکتابی الموصول و الصله*، بخش پنجم، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار الثقافه.

-ابن عذاری مراکشی، ابوعبدالله محمد (۱۹۶۰ م). *البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، (القسم الموحدی) ج ۳، تحقیق هویسی میراندا به همراهی محمدبن تاویت و محمدابراهیم کتانی، تطوان: سلسله معهد مولای الحسن.

-ابن عمیرة، أحمد بن عبد الله بن محمد بن الحسین بن أحمد (۲۰۰۸). *رسائل ابن عمیرة الدیوانیة – القرن السابع الهجری–*، دراسة وتحقیق: أحمد عزاوی، الرباط: مطبعة ربانیت.

-ابن قطان مراکشی، علی بن محمد (۱۹۹۰ م). *نظم الجمان لترتیب ماسلف من اخبار الزمان*، تحقیق، محمود علی مکی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

-ابن مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶). *تجارب الامم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: انشارات توس.

-ابن مغاور، ابوبکر الشاطبی (۱۹۹۴). *حیاته و آثاره*، دراسه و تحقیق: ابن شریفه. بی جا.

-بروفنسال، لویی (۱۹۴۱). *مجموع رسائل موحدیه من انشاء کتاب الدوله المومنیه*، رباط الفتح: مطبوعات معهد العلوم العلیا المغربیه.

-بلغیثی، ادریس العلوی (۱۹۸۹). *مولف من العصر الموحدی: رسائل نادره و تراجم اندلسیه*، *مجله المناهل*، ص ۲۴۳– ۲۹۱.

-بهنام‌فر، محمدحسن، (۱۴۰۱)، «*شکل‌گیری قدرت سیاسی و پیکربندی نظام مشروعیت مرابطون در اندلس*»، *فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی*، سال پنجاه و هشتم، (دوره جدید، سال چهاردهم، شماره دوم، پیاپی ۵۴)، ص ۸۸- ۷۵.

-بیذق، ابی بکر صنهاجی (۱۹۸۰ م). *اخبار المهدی بن تومرت و بدایه دوله الموحدین*، تحقیق: لویی پرونسال، پاریس.

-حسن، علی حسن (۱۹۸۰). *الحضاره الاسلامیه فی المغرب و الاندلس، عصر المرابطین و الموحدین*، مصر: مکتبه الخانجی.

-*الحلل الموشیهٔ فی ذکر الأخبار المراکشیهٔ* (۱۹۷۹ م). تحقیق سهیل زکار، مغرب: الدار البیضاء.

-ذهبی، أبو عبد الله محمد بن أبی أحمد (۲۰۰۸). *المستملح من کتاب التکملهٔ*، تحقیق بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامی.

-رعینی اشبیلی، حسن علی بن محمدبن علی (۱۹۶۲). *برنامج شیوخ الرعینی*، تحقیق: إبراهیم شبوح، دمشق: مطبوعات إحیاء التراث القدیم.

-زرکشی، ابوعبدالله محمد ابراهیم اللولوی (۱۹۶۶). *تاریخ الدولتین الموحدیه و الحفصیه*، تحقیق محمد ماضور، تونس، المکتبه العتیقه.

سعد زغلول، عبد الحمید (۲۰۰۴). «*تاریخ المغرب العربی – أبو یعقوب یوسف بن عبد المؤمن –۵۵۸ ۵۸۰ ه– ۱۱۶۲/ ۱۱۸۴ م*»، ج ۶، الإسکندریهٔ: منشأهٔ المعارف.

-سعید، محمد مجید (۲۰۰۱). *بحوث اندلسیه*، منشورات المجمع العلمی.

سملالی، عباس بن إبراهیم (۱۹۹۳). *الإعلام بمن حل بمراکش وأغمات من الأعلام*، جلد هشتم. مراجعهٔ: عبد الوهاب منصور، الرباط: المطبعهٔ الملکیهٔ.

-صفدی، صلاح الدین خلیل (۲۰۰۰). *الوافی بالوفیات*، تحقیق: احمد الارناووط ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء تراث العربی.

-عزاوی، احمد (۱۹۹۵). *کتاب دواوین الانشاء الموحدیه: رسائل موحدیه مجموعه جدیده، القنیطره– المغرب*: منشورات کلیه الآداب و العلوم الانسانیه.

-عمرموسی، عزالدین (۱۳۸۱). *دولت موحدون در غرب جهان اسلام، تشکیلات و سازمانها*، مترجم: صادق خورشا، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

-غبرینی، ابوالعباس احمد بن احمد بن محمد (۱۳۲۸ ق). *عنوان الدرایه فیمن عرف من علماء السابعه فی بجایه*، الجزائر، المطبعه الثعالبیه.

-قلقشندی، ابی العباس احمدبن علی [بی‌تا]. *صبح الاعشی فی صناعه الانشاء*، قاهره، بی‌نا.

-کورش عبادی، سمیه، انصاری، مهدی، شرفی، محبوبه، ۱۴۰۲ ، *بحران‌های سیاسی شام در قرن ششم هجری با تأکید بر نقش اسماعیلیان نزاری به رهبری راشدالدین سنان*، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۷، شماره ۳۳ ، صص ۲۴۵-۲۷۲.

-گل مکانی، وجیهه، جان احمدی، فاطمه، برومند اعلم، عباس،۱۴۰۱، *تأثیر اصلاحات اقتصادی الحاکم بامرالله بر کاهش پیامدهای بحران مستنصریه*، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۶، شماره ۳۱ ، صص ۴۲۶-۴۵۶.

-مراکشی، عبدالواحد (۱۳۹۰). *المعجب فی تلخیص اخبار المغرب*، ترجمه: محمد رضا شهیدی پاک، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

-مقریطلمسانی، ابوالعباس احمد بن محمد (۱۹۸۸). *نفح الطیب من غصن الاندلس الرطیب*، ج پنجم، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار صادر.

-مکناسی، ابن قاضی (۱۹۷۳). *جذوة الإقتباس فی ذکر من حل من الأعلام مدینة فاس، الرباط*: دار المنصور للطباعة.

منابع

-ناصری السلاوی، شهاب الدین احمدبن خالد (۱۹۹۴ م). *الاستقصاء لاخبار دول المغرب الاقصی*، به کوشش محمد ناصری و جعفر ناصری، جلد دوم، داربیضاء: دارالکتاب.

-نخجوانی، هندوشاه بن سنجر صاحبی (۱۳۵۷). *تجارب السلف*، به کوشش و تصحیح عباس اقبال آشتیانی، بی‌جا: کتابخانه طهوری.

-نمیری، ابن الحاج (۱۹۹۰). *فیض العباب و افاضه قداح الاداب فی الحرکه السعیده الی قسنطینه و الزاب*، به کوشش محمد بن شقرون، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

-ولد داداه، محمد (۱۹۷۷). *مفهوم الملک فی المغرب- من انتصاف القرن السابع- دراسة فی التاریخ السیاسی*، القاهرة: دار الکتاب المصری.

-یار احمدی تکتم، خسروبیگی هوشنگ (۱۴۰۰). *دیوان انشاء و بازآفرینی ادبیات اداری در دوره ایلخانان*، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، (دوره ۱۵، شماره ۲۹)، ص ۴۶۱- ۴۸۸.

-Hopkins. J. F. P. (1958) .*Medieval Muslim Government in Barbary*, London.